

عنوان مقاله:

تحولات جریان روشنفکری در ایران

محل انتشار:

دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسنده:

آمنه صدیقیان بیدگلی - عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و عضو هیات مدیره انجمن جامعه شناسی آموزش و پرورش ایران

خلاصه مقاله:

ظهور و بروز روشنفکری در ایران همزمان با مواجهه ما با کشورهای غربی، مدرنیته و اطلاع از عقب ماندگی غریب و انباشته مان بوده است. تلاش نخبگان برای عبور و خروج از این عقب ماندگی و دستیابی سریعتر به مدار توسعه و در برابر تلاش گروه های دیگری برای چسبندگی به سنت و مقابله با نفوذ مظاهر غربی و مدرنیته، یک چالش همیشگی تاریخ معاصر ما بوده است. سه نقش اصلی برای روشنفکران در نظر گرفته شده است. نقش مشارکتی که دوره ای از جریان روشنفکری است که روشنفکران میتوانند در افکارعمومی و در ساخت قدرت نفوذ کنند و اندیشه های خود را وارد جریان تفکر دولتمردان و افکارعمومی نمایند. نقش نقادانه که دوره ای از جریان روشنفکری است که روشنفکران به نقادی وضعیت موجود میپردازند و دارای اشکال متفاوت می شود. به گونه ای که از نقادی ساده تا انتقاد کامل به شرایط موجود و سعی در نفی حکومت میتواند دامنه داشته باشد و نقش کناره گیری، که دوره ای از جریان روشنفکری است که روشنفکران بر حسب شرایط پیش آمده از سیاست و زندگی سیاسی کناره میگیرند و نقش فعالانه ای بازی نمیکنند. روشنفکران در مقاطع گوناگون کنش های گوناگونی انتخاب نموده اند. بدیهی است که در هر دوره ای از زمان برایندی از نقش های مختلف در زندگی روشنفکران دیده میشود ولی در این بحث، نقش مسلط در آن دوره تاریخی بعنوان نقش غالب جریان روشنفکری در نظر گرفته می شود و مورد بررسی قرار می گیرد. فرضیه این مطالعه تاریخی اسنادی این است که نقش غالب جریان روشنفکری در زندگی سیاسی ایران در زمان انقلاب مشروطه نقش مشارکتی بوده، در جریان انقلاب نقش انتقادی یافته و پس از انقلاب روشنفکری دچار کناره گیری و انزوا شده است. مقاله با مرور منابع به این نتیجه می رسد که فرضیه مورد نظر احتمالا صحت دارد.

کلمات کلیدی:

روشنفکر، جریان روشنفکری در ایران، تحولات تاریخی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/493744>

